



ج - مصاحبه با

## دکتر نجفقلی حبیبی

سومین مدیر کتابخانه شماره ۲ مجلس شورای اسلامی

هما افراسیابی



انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاه، مسئولیت کتابخانه شماره ۲ را به عهده گرفتم. فکر کنم حدود یک سال (۱۳۵۸ و ۱۳۵۹) در آنجا این سمت را عهده دار بودم. این کتابخانه از بعد منابع، برایم کتابخانه جالبی بود.

از این که بزرگورای فرموده و با توجه به مشغله زیادی که دارید این فرصت را در اختیار ما قرار دادید، از حضرت تعالی سپاسگزارم؛ امیدواریم بتوانیم از خاطرات و تجربیات شما استفاده کنیم.

همان گونه که مستحضر هستید کتابخانه مجلس دارای دو نشریه است. یکی نشریه "پیام بهارستان" که نشریه داخلی کتابخانه است و دیگری هم نشریه تخصصی نسخه شناسی به نام "نامه بهارستان". نشریه پیام بهارستان هر چند گاهی ویژه نامه‌ای منتشر می‌کند، که تا به حال دو شماره ویژه نامه منتشر شده است. ویژه نامه سوم، مربوط به کتابخانه شماره ۲ مجلس شورای اسلامی (سنای سابق) است که با توجه به اهمیت این مجموعه که از مجموعه‌های تخصصی ایران شناسی - اسلام شناسی است، مزاحم وقت شما شدیم. لطفاً در آغاز شمه‌ای از زندگینامه و فعالیت‌های علمی خودتان را برایمان بیان بفرمایید.

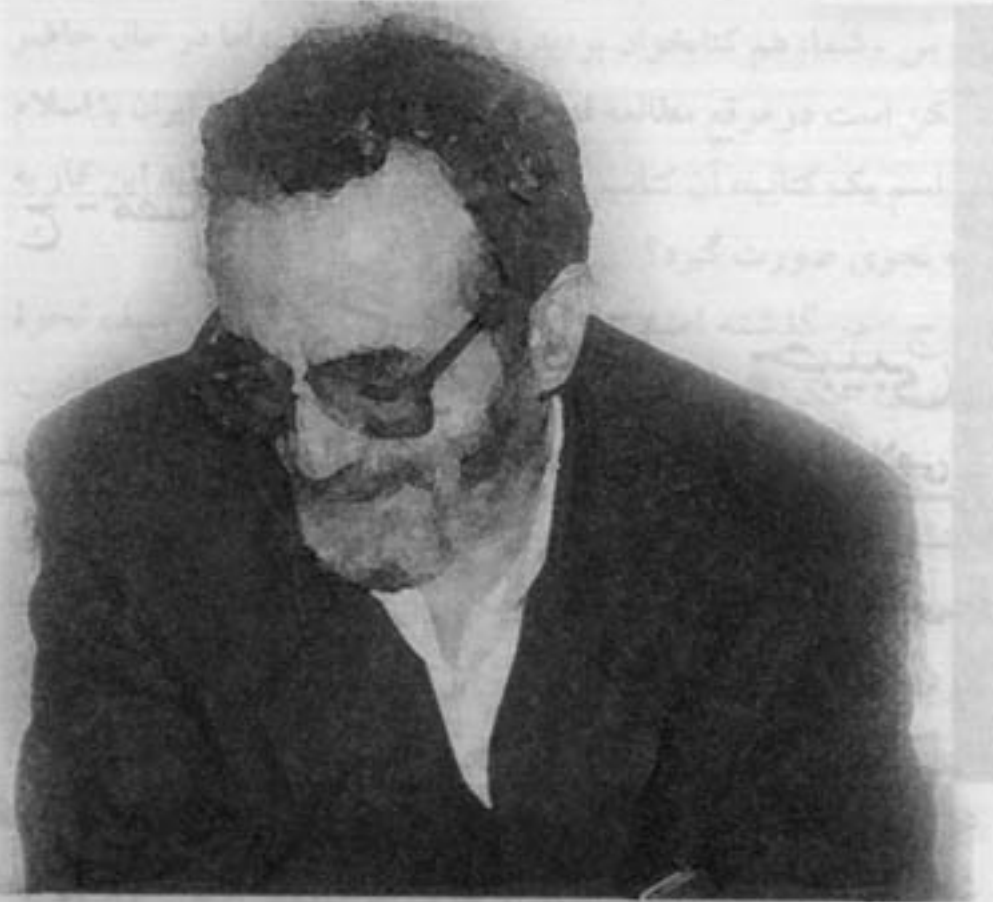
بعد از شروع فعالیت‌های دانشگاه، دوباره به محیط دانشگاه برگشتم. مدتی معاون دانشکده الهیات شدم و سپس رئیس دانشگاه الزهراء، رئیس دانشگاه تربیت مدرس و رئیس دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

در اواخر سال ۱۳۶۰، شورای عالی قضایی مسئولیت راه اندازی مسئولیت راه اندازی دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری دادگستری را به عهده من گذاشت.

اواخر سال ۱۳۶۶ به عنوان نماینده مردم تهران در دوره سوم به مجلس شورای اسلامی راه یافتم. مدتی رئیس کمیسیون آموزش عالی و سپس رئیس اتحادیه بین‌المجالس، نماینده مجلس در کمیسیون ماده ۲ قانون احزاب (که در وزارت کشور تشکیل می‌شد) بودم و به مدت دو سال ریاست این کمیسیون را بر عهده داشتم. در همان دوره در پی دستور حضرت امام برای بازنگری قانون اساسی، یکی از پنج نماینده‌ای بودم که به عنوان عضو شورای بازنگری قانون اساسی از سوی مجلس انتخاب شدم. پس از پایان دوره سوم مجلس، دوباره به محیط دانشگاه برگشتم. بین سال‌های

ج - در سال ۱۳۲۰ در خوانسار متولد شدم و تحصیلات اولیه خود را در همان شهر انجام دادم. بعد دروس حوزوی را تا سطح به اتمام رساندم. پس از اخذ دیپلم، وارد دانشکده الهیات شدم و دوره‌های لیسانس، فوق لیسانس و دکتری را بدون وقفه به پایان رساندم. چون معلم هم بودم، هم درس می‌دادم و هم درس می‌خواندم، چون معلم هم بودم.

در دوره‌های تحصیل در دانشگاه، از محضر استادان ارجمندی از جمله مرحوم استاد دانش پژوه (که امسال هم تجلیلی از ایشان توسط کتابخانه مجلس به عمل آمد)، مرحوم استاد مطهری، دکتر ملکشاهی، مرحوم استاد دکتر مهدی حائری یزدی، مرحوم دکتر جواد مصلح، دکتر گرجی، و مرحوم استاد الهی قمشه‌ای و دیگر اساتید، بهره گرفتم. در سال ۱۳۵۶ پس از دفاع از پایان نامه تحصیلی‌ام که در موضوع "فلسفه اشراق" بود، مقدمات ورود من به دانشگاه فراهم شده بود که اوج حرکت انقلاب مانع بود. در سال ۱۳۵۸ به عنوان عضو هیات علمی به دانشکده الهیات راه یافتم



کتاب "مفاتيح الغيب" ملاصدرا را که فکر می‌کنم هر کدام در دو جلد منتشر شود. الان هم علاوه بر مسئولیت ریاست دانشگاه علامه طباطبایی، در فرصت‌هایی که پیش می‌آید روی احیای متون اسلامی کار می‌کنم و در واقع از خدا خواستم مابقی عمرم را توفیقی بدهد برای ادامه کار تصحیح.

س - آقای دکتر لطفاً بفرمایید آیا تالیف هم داشته‌اید.

ج - تالیف خاصی نداشته‌ام و بنا ندارم انجام دهم. همان مقدمه‌ای که بر این کتاب‌ها می‌نویسم یک کار خاص است. بیشتر فکر می‌کنم کار تصحیح متون را انجام بدهم، چون کار لازم و نسبتاً سختی است و حوصله و دقت بسیار می‌خواهد.

در حال حاضر مشغول تصحیح "رسائل الشجرة الالهية" شهرزوری هستم که یک دوره دائرةالمعارف فلسفی است و در قرن هفتم هجری نوشته شده در آن زمان مورد توجه علما بوده است.

س - با تشکر، لطفاً بفرمایید در چه سال‌هایی عهده دار مسئولیت کتابخانه شماره ۲ مجلس بودید و ارزیابی شما از این مجموعه چیست؟

ج - همان‌گونه که گفتم اواخر سال ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ بود که حدوداً یکسال می‌شود و در همان زمان این دو کتابخانه با عنوان کتابخانه شماره ۱ و کتابخانه شماره ۲ مجلس شورای اسلامی تعریف شد. با کتابخانه شماره ۲ (سنای سابق) قبل از انقلاب اصلاً آشنایی نداشتم. اما به کتابخانه شماره ۱ (مجلس شورای ملی سابق) در دوره دانشجویی فراوان مراجعه می‌کردم. حتی کتاب "سه رساله شیخ اشراق" را که تصحیح و چاپ کردم، نسخه عکسی آن را از این کتابخانه تهیه کرده بودم.

زمانی که به عنوان رئیس کتابخانه شماره ۲ کارم را آغاز کردم، دو چیز در این کتابخانه برای من خیلی جالب بود: یکی کارکنان کتابخانه که بسیار ورزیده و مسلط و کتابشناس بودند. (گرچه تعدادشان محدود بود، بسیار محیط کارشان را دوست داشتند و با علاقه کار می‌کردند؛ دیگر این که، این کتابخانه از لحاظ منابع ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی از کتابخانه‌های تخصصی کشور محسوب می‌شد. وقتی مجلس برای تصویب قانون اساسی در آنجا تشکیل شده بود، به لحاظ وجود کتاب‌های فقهی بسیار غنی که در این کتابخانه وجود داشت، علمای بزرگ مثل آیت الله منتظری، آیت الله شهید دکتر بهشتی و بسیار دیگر برای تحقیق درباره موضوعاتی که راجع به اصول قانون اساسی مطرح می‌شد، از همین کتابخانه استفاده می‌کردند و این خیلی مهم بود، چون یک کتابخانه تخصصی در سطح عالی در زمینه مطالعات ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی بود. از نظر اسلام‌شناسی، کتاب‌های فقهی فرق و

۱۳۷۱-۱۳۸۱ یعنی ده سال از نظر انجام کارهای علمی الحمدلله توفیق داشتم. چندین اثر از میراث فرهنگی اسلام را تصحیح کرده‌ام که به غیر از «سه رساله از شیخ اشراق» که قبل از انقلاب تصحیح و چاپ شده بود، تصحیح کتاب‌های دیگری از جمله "تبصره المبتدی" تالیف صدرالدین قونوی، "شرح الاسماء" تالیف حاج ملا هادی سبزواری و "شرح دعای صباح" را انجام دادم. شرح الاسماء در "دوازدهمین دوره کتاب سال" جمهوری اسلامی ایران مورد تقدیر قرار گرفت. و بعد "شرح توحید صدوق" قاضی سعید قمی را تصحیح کردم. اولین جرقه‌های تصحیح "شرح توحید صدوق" را استاد حائری که در آن زمان رئیس کتابخانه مجلس بودند، در ذهن من ایجاد کردند. ایشان فرمودند که این کتاب خیلی ارزشمند است و مرحوم آیت الله العظمی بروجردی - رضوان الله علیه - آرزوی تصحیح و چاپ این کتاب را داشتند. بعدها فهمیدم که مرحوم آیت الله العظمی نجفی مرعشی هم چنین آرزویی داشته‌اند. به هر حال این توفیق حاصل شد و کتاب سه جلدی شرح توحید صدوق قاضی سعید را تصحیح کردم و به تدریج (تا سال ۱۳۷۷) چاپ شد. بعد از آن کتاب "شرح الأربعین" قاضی سعید و در سال ۱۳۸۰ کتاب "الاربعینات لکشف انوار القدسیات" قاضی سعید را تصحیح کردم که با همت کتابخانه مجلس و میراث مکتوب چاپ شد. کتاب تبصرة المبتدی قونوی با تجدید نظر در سال جاری (۱۳۸۱) تجدید چاپ شد، اخیراً در قم منتشر شده است.

بین سال‌های ۱۳۷۱ - ۱۳۸۱ این ده ساله از نظر انجام کارهای علمی - الحمدلله - توفیق داشتم در همین فاصله "تعلیقات الهیات ملاصدرا بر شفا" را هم که بعد از کتاب اسفار ملاصدرا مفصل‌ترین کتاب فلسفی است، تصحیح کنم که زیر چاپ است. همین طور

مذاهب اسلامی که معتبر بودند و بعضی کتاب‌های حقوقی در این کتابخانه بود. از نظر مجلات هم در حوزه ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی یکی از بهترین کتابخانه‌های کشور بود و حتی رساله‌های دانشجویان ایرانی خارج از کشور که رساله خود را درباره ایران نوشته بودند، جمع‌آوری کرده‌اند که هنوز هم نگهداری می‌شود. البته تعدادی کتاب‌های خطی هم داشت که چندین نسخه خیلی ارزشمند در بین آنها بود که قرار بود به کتابخانه شماره ۱ منتقل شود، (نمی‌دانم منتقل شده یا نه؟). به هر حال در دو حوزه اسلام‌شناسی - ایران‌شناسی کتاب‌های بسیار تخصصی و کمیاب در این کتابخانه بود.

پس از تشکیل اولین دوره مجلس شورای اسلامی در این ساختمان، یکی از چیزهایی که به شدت احساس می‌شد، این بود که حالا نمایندگان کتابخانه‌ای می‌خواهند که احتیاجات آنان را در امر قانونگذاری رفع کند.

در این کتابخانه، کتاب‌های لازم برای قانون‌گذاری و کتاب‌های حقوقی و غیره وجود داشت که برای مراجعه به سوابق قانون‌گذاری کشور مفید بود. لازم بود بخش گزارش‌های دولتی هم ایجاد شود و نزدیک به نمایندگان باشد تا در هر فرصتی که پیش می‌آید، بتوانند گزارش‌ها را مطالعه کنند. با تلاش‌هایی که صورت گرفت بخش گزارش‌های دولتی ایجاد شد. در ابتدا برای

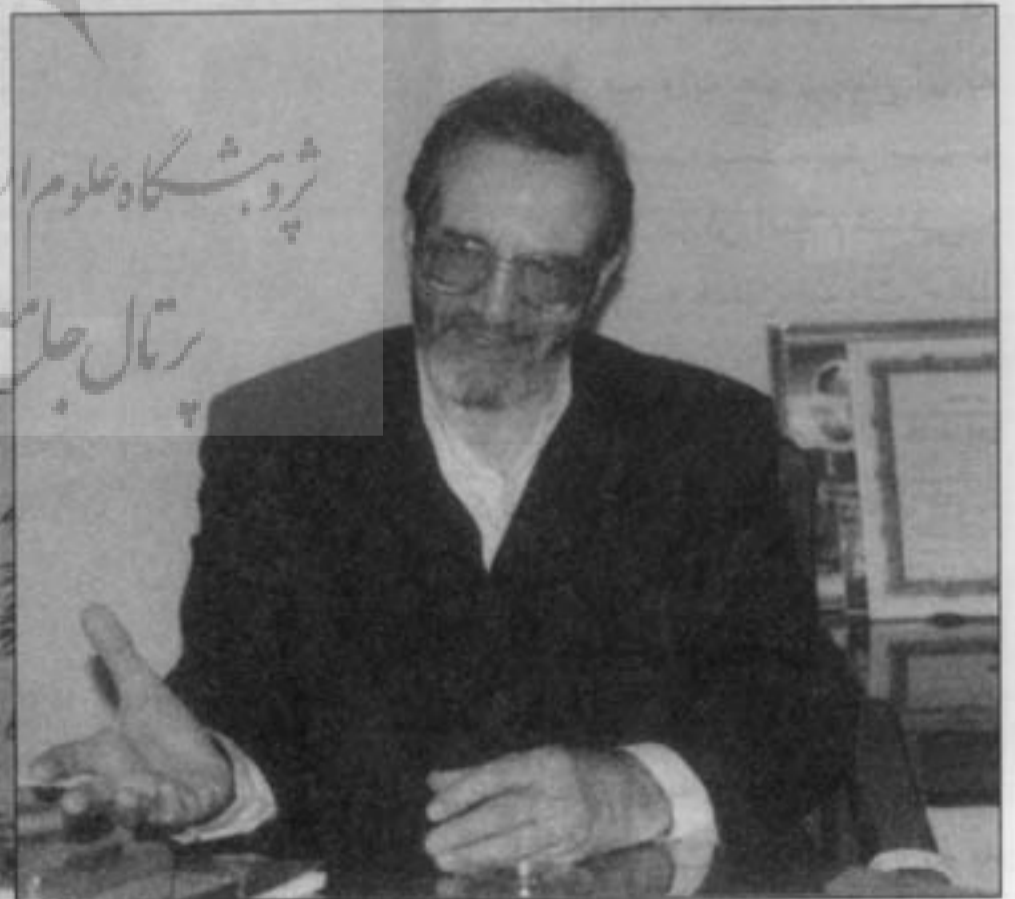
متخصصین کتابخانه، ایجاد چنین بخشی سوال‌انگیز بود، چون از نظر آنان این کتابخانه یک کتابخانه تخصصی اسلام‌شناسی - ایران‌شناسی بود و تصور می‌کردند ایجاد بخش گزارش‌های دولتی باعث پایین آوردن شأن کتابخانه می‌شود. البته این بینش درست بود، اما به هر حال در کنار مجلس شورای اسلامی، اطلاعات به روز، جهت وضع قوانین لازم بود و نیاز به منابعی مثل گزارش‌های دولتی، روزنامه‌ها احساس می‌شد. مخصوصاً که اوایل انقلاب بود و در روزنامه‌ها بحث‌های جدیدی در مسائل انقلاب و مسائل سیاسی و اجتماعی مطرح می‌شد و نمایندگان هم لازم بود که مطلع شوند.

در آن زمان تلاش شد کتاب‌های قانون اساسی کشورهای مختلف جمع‌آوری شود. که کار مطلوبی بود. من همیشه غبطه می‌خوردم که این کتابخانه با منابع بسیار ارزشمندش، به لحاظ این که در حوزه مجلس قرار گرفته، کمتر در دسترس دانشگاهیان است و یک سرمایه عظیمی بود که مقداری مورد بی‌مهری بود. نمی‌دانم هنوز هم به همین گونه هست یا نه؟

س - دوران تصدی مدیریت شما در کتابخانه شماره ۲، مصادف با دوران انقلاب و اوائل نظام جمهوری اسلامی و آکنده با شور انقلابیون بود؛ برای حفاظت از منابع کتابخانه چه اقداماتی انجام دادید؟

ج - بحث طاعوت زدایی مطرح شده بود و از تعویض اسکناس‌ها شروع شد و به کتابخانه‌ها نیز کشید. یکی از خطراتی که جدی کتابخانه‌ها را تهدید می‌کرد، همین بود که به بعضی از کتاب‌ها که دستگاه سلطنت چاپ کرده بود و دارای عکس و آرم‌های سلطنتی بود، آسیب می‌رسد.

یکی از بحث‌ها این بود که بعضی از این کتاب‌های متنی و بسیار مهم است، حتی گزارش‌های دولتی که بالاخره یک دولتی



پروفسور شمس‌الله شریاتی  
رتال جامع علوم انسانی



بوده، حالا در آینده برای تحقیق در کارهای آن دولت، نیاز به مطالعه و بررسی است و نیز کتاب‌های دربارهٔ اقلیت‌ها و ادیان دیگر وجود داشت که سرانجام توافق شد و مَه‌ری درست شد و موضوع حل شد.

در حال حاضر همه کتاب‌هایی که این مهرها را دارد، در کتابخانه موجود است و نشان می‌دهد که روح انقلاب حفظ شده و به کتاب‌ها هم آسیبی وارد نگردیده است.

س - زمان مدیریت شما، بودجه خرید منابع چه مقدار بود؟

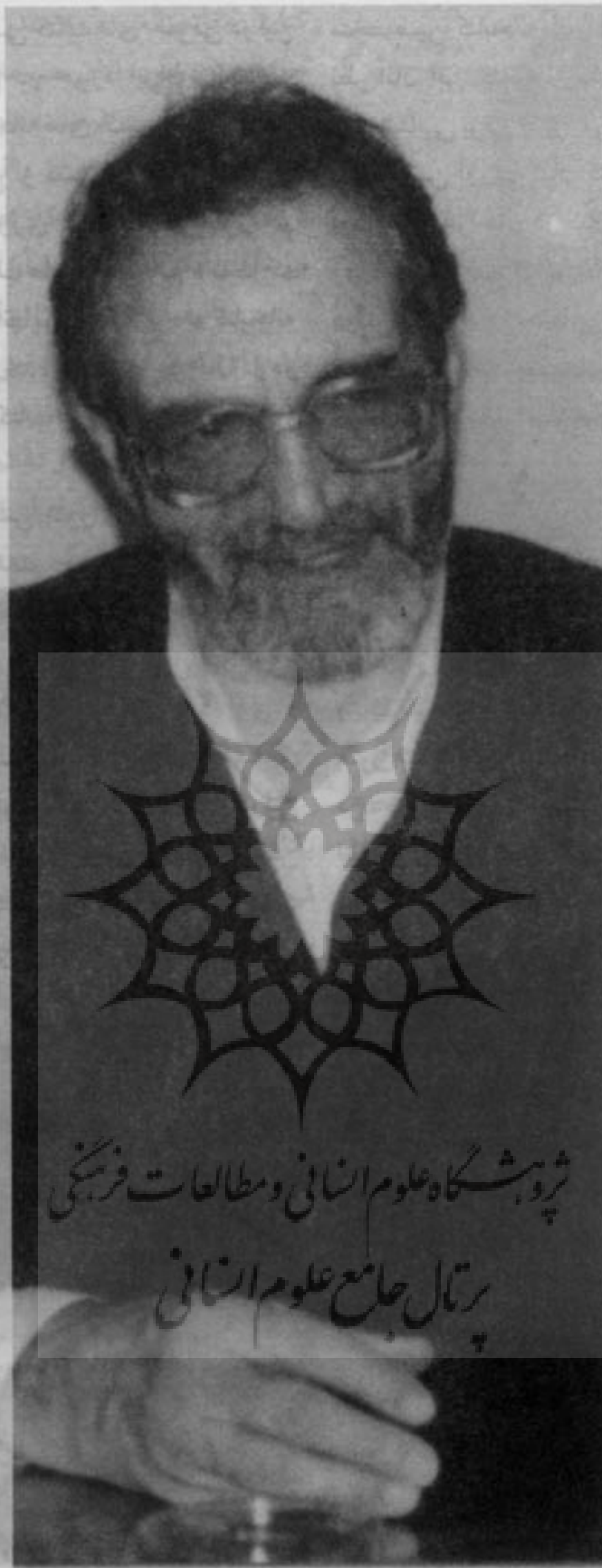
ج - به لحاظ محدودیت‌های دولت، بودجه محدود بود، ولی به یاد ندارم اگر می‌خواستیم کتابی بخریم، مشکل داشته باشیم. البته در دوران انقلاب خرید مجلات ایران‌شناسی - اسلام‌شناسی به تعویق افتاده بود و آن هم به خاطر بحران دوران انقلاب بود. در سال ۱۳۵۸ با جدیت خانم دبیری همه کسری‌ها تهیه گردید.

س - در آن دوره، آیا نسخه خطی برای کتابخانه خریداری شد؟ یا نظر چه کسی؟  
ج - به نظرم نمی‌آید. به صورت مراجعاتی بود که از آقای سلطان‌القرائی برای ارزیابی دعوت به عمل آمد اما خریدی صورت نگرفت.

س - حتماً شما مطلع هستید که از سال ۱۳۶۳، دو کتابخانه مجلس تحت یک مدیریت قرار گرفت و از سال ۱۳۷۵ پس از تصویب اساس‌نامه، کتابخانه مجلس مستقل شد و ردیف بودجه برای آن

اختصاص یافت. نظر شما راجع به جایگاه این کتابخانه در چارت سازمانی جدید چیست؟

ج - البته جابجا کردن و ادغام کردن کتابخانه خیلی دور از انصاف است. به خصوص کتابخانه‌هایی که جنبه تاریخی پیدا کرده‌اند. محققین کشور معمولاً در کارهای تحقیقی به نسخه‌هایی که متعلق به این کتابخانه‌ها است، ارجاع می‌دهند و جابجایی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

مجموعه این کتابخانه‌ها، تمام ارجاعات و مطالعات دانشمندان را به هم می‌ریزد. به این جهت بنده موافق ادغام مجموعه این کتابخانه نیستم. به هر حال کتابخانه‌ای است متعلق به مجلس و در یک طرف شهر، که دسترسی کسانی که به آنجا نزدیک هستند، آسان است. اما فلسفه اصلی آن از نظر من همین است. که این کتابخانه‌ها سابقه تاریخی دارند و دانشمندان و اهل تحقیق با این کتابخانه‌ها یک نوع انس و دلبستگی خاص دارند و می‌دانند برای چه کتاب‌هایی باید به چه کتابخانه‌هایی مراجعه کنند. این کتابخانه، مجموعه تخصصی خودش را دارد. برای رفع نیاز نمایندگان می‌توان بخش‌های جدیدی برای آن ایجاد کرد. مثل بخش گزارشات دولتی که در آن زمان تاسیس گردید، حالا باید جهت گسترش و تقویت آن سعی کرد. این یک کتابخانه تخصصی است که شکل گرفته و به هم ریختن آن به نظر بنده درست نیست. بهتر است به عنوان یک مرکز اسلام‌شناسی - ایران‌شناسی به همین صورت حفظ شود.

س - در حال حاضر صحبت از جابه‌جا کردن این کتابخانه و احیاناً انتقال آن به ساختمان پارلمان قدیم مجلس شورای ملی است، نظر شما در این باره چیست؟  
ج - اولاً این ساختمان با این عظمت و زیربنای بسیار، ظرفیتی به

مراتب بیش از حد نیاز مجلس خبرگان است اما به فرض که به خبرگان تعلق بگیرد منافاتی ندارد و خبرگان می‌تواند از یک کتابخانه تخصصی اسلام‌شناسی بهره‌مند باشد.

س - در زمان مدیریت شما، میزان توجه رییس مجلس و هیئت رئیسه به کتابخانه چگونه بود و آیا پشتیبانی لازم از کتابخانه می‌شد؟

ج - معمولی بود چون در اوایل انقلاب، مسایل و گرفتاری‌های

مملکت خیلی زیاد بود. البته نمی توانم بگویم کتابخانه فراموش شده بود. س - در زمان مدیریت شما، اسناد و انتشارات احزاب سیاسی به کتابخانه راه یافت. در مورد جمع آوری این منابع چه نظری داشتید؟

ج - این امر را ضروری می دانستیم به نظر من در جایی مثل کتابخانه مجلس شورای اسلامی، اطلاعات مربوط به این نوع مواد کتابخانه ای باید جمع آوری و تنظیم می شد و حتی برای نمایندگان به صورت خلاصه و چکیده نیز تهیه می شد و محققین کشور می بایست به این منابع دسترسی داشته باشند.

س - باتوجه به این که هر کتابخانه، مخاطبین خاص خود را دارد، در زمان تاسیس این دو کتابخانه مخاطبین مشخص بودند و امروز هم باید مخاطبین مشخص باشند، از طرفی کتابخانه ها با یک چالش بزرگ مواجه هستند و آن هم ارائه خدمت و هم حفظ مجموعه است. شما چه مراجعانی را برای دریافت خدمات در این دو کتابخانه مناسب می دانید؟

ج - نمایندگان مجلس از مراجعین قطعی هستند. بیش از حفظ مجموعه، اطلاع رسانی و ارائه خدمات کتابخانه ای مهم است البته باید برای حفظ مجموعه ملاحظات مختلف مورد نظر قرار گیرد. مثلاً نباید به کسی (مگر نمایندگان مجلس) کتاب امانت داد، اما همه باید بتوانند از کتابخانه استفاده کنند.

ممکن است مجلس بگوید ایجاد و راه اندازی قرائتخانه از وظایف وزرات ارشاد است و وظیفه مجلس نیست، ولی در کشور،

مجلس جایگاهی دارد، به خصوص کتابخانه مجلس که مردم از آن توقع دارند و حال ایجاد سالن قرائت خانه بسیار خوب است. چون گاهی که من به کتابخانه شماره ۱ مراجعه می کنم، می بینم که سالن مرجع واقعاً پر است. کتابخانه شماره ۲ را هم به خاطر محدودیت های مکانی که دارد، همه نمی توانند مراجعه کنند. ولی لازم است منابع موجود در آن را به متخصصین و محققین و دانشگاهیان معرفی کرد تا نسبت به وجود این منابع در این کتابخانه آگاه شوند.

س - راجع به امانت دادن منابع این کتابخانه چه نظری دارید؟  
ج - امانت منابع این کتابخانه در آن زمان هم خیلی محدود بود و فقط بعضی از نمایندگان، آن هم محدود امانت می گرفتند. من فکر می کنم در حال حاضر هم باید هم چنان محدود و مسدود بماند. چون این منابع کمیاب و منحصر است و دیگر هم چاپ نمی شود.

س - آیا مراجعین خاص کتابخانه را به یاد دارید؟  
ج - بلی، علمای بزرگ کشور، دانشمندان و استادان دانشگاه ها به این مجموعه مراجعه می کردند که هم از نمایندگان مجلس بودند و هم از خارج از مجلس. البته به خاطر محدودیت های سختی که بعد از ترورها اوایل انقلاب بود، کمتر از خارج از مجلس مراجعه می کردند.

## شهرتگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی پرتال جامع علوم انسانی

